

## دانشگاه کمونیستی کارگران شرق پژوهشگران و دانشجویان ایرانی در مسکو طی دهه‌های ۱۹۳۰-۱۹۲۰ میلادی<sup>۱</sup>

لانا راوندی فدایی<sup>۲</sup>

ترجمه: جعفر مرادحاصلی<sup>۳</sup>

### چکیده

دانشگاه کمونیستی کارگران شرق (کا. یو. تی. وی.)، که در سال ۱۹۲۱م. در مسکو تأسیس و در سال ۱۹۳۸م. تعطیل شد، تجربه‌ای منحصر به فرد در زمینه شرق‌شناسی شوروی و نخستین مؤسسه آموزشی کمونیستی به ویژه برای دانشجویان شرقی بود، تا کشورهای خود را از منظر مارکسیستی و به زبان مادری مطالعه کنند. هدف این مؤسسه نه تنها تربیت استادان و انقلابیون برای کار در کشورهای زادگاه شان، بلکه ایجاد تغییری پارادایمی در مطالعه شرق بود. ایرانیان کا. یو. تی. وی. هم در میان دانشجویان و هم استادان حضوری نیرومند داشتند. برخی از آنها برای گسترش علم و انقلاب به ایران بازگشتند، در حالی که برخی دیگر در مقام محققان ایرانی در اتحاد شوروی ماندند، بر توسعه شرق‌شناسی شوروی تأثیر گذاشتند و اغلب به طور هم‌زمان در دستگاه سیاسی شوروی خدمت کردند. در میان منابع دیگر، این مقاله از پرونده‌های موردی شوروی راجع به دانشجویان و استادان ایرانی کا. یو. تی. وی. بهره می‌گیرد تا بر انگیزه‌ها و پس‌زمینه‌های آنها پرتوی بیفکند.

### واژگان کلیدی:

دانشگاه کمونیستی کارگران شرق، مسکو، پژوهشگران، دانشجویان ایرانی

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۵/۱۱/۱۰

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۶/۱/۲۹

<sup>۱</sup>. این مقاله ترجمه‌ای است از

“Red Mecca” The Communist University for Laborers of the East (KUTV): Iranian Scholars and Students in Moscow in the 1920s and 1930s, Lana Ravandi-Fadai, Iranian Studies, 2015, Vol. 48, No. 5, 713–727 pp.

<sup>۲</sup>. لانا راوندی فدایی پژوهشگر در مؤسسه مطالعات شرقی مسکو

<sup>۳</sup>. دانشجوی دکتری تاریخ ایران دوره اسلامی دانشگاه شهید بهشتی jafarmoradhaseli@gmail.com

دانشگاه کمونیستی کارگران شرق<sup>۱</sup> و با نام اختصاری (کا. یو. تی. وی.)، در سال ۱۹۲۱م. در مسکو افتتاح شد. به هنگام شور و شوق هیجان‌انگیز دولت نوپای شوروی، که انقلاب در شرق پیامد طبیعی و قریب‌الوقوع انقلاب اکتبر به نظر می‌رسید. کا. یو. تی. وی. نخستین مؤسسه آموزشی کمونیستی، به طور خاص برای دانشجویان شرق بود و تا نیمه دوم دهه ۱۹۲۰م. به یکی از مهم‌ترین مراکز شرق‌شناسی شوروی تبدیل شد. این «کارگاه آهنگری کادرهای رهبری» تجربی نه تنها هواداران مشتاق را تربیت می‌کرد تا استادان و انقلابیون سرزمین‌های زادگاه خود باشند، بلکه با تأکید بر تاریخ اجتماعی و اقتصادی معاصر از منظر مارکسیستی و توزیع مجدد ابزارهای دانش شرق‌شناسی برای خود شرقی‌ها به منظور ایجاد تغییری پارادایمی در مطالعه شرق می‌کوشید. به رغم مواد و داده‌های چشمگیر در آرشیوهای روسیه، کا. یو. تی. وی. غالباً به مسأله جنبی عصر استالین تنزل یافت. آنچه به لحاظ علمی جلب توجه کرده است، تمرکز بر دانشجویان شرق و جنوب شرق آسیاست، جایی که بسیاری از دانش‌آموختگان آن دانشگاه، رهبران و کارگزاران کمونیستی مهمی شدند: برخی مانند هوشی‌مین<sup>۲</sup> و لیو شائوچی<sup>۳</sup>، حتی به رهبری کشورهای خود رسیدند. اگر چه چنین موفقیت‌های درخشانی برای کمونیست‌های ایران پدید نیامد، اما حضور ایرانیان در کا. یو. تی. وی. در میان دانشجویان و استادان بارز بود، برخی از آنها برای ترویج علم و انقلاب به ایران بازگشتند، در حالی که برخی دیگر، مانند لادین اسفندیاری، عبدالحسین حسایی، ابوالقاسم زارع و آوتیس سلطان‌زاده در مقام محققان ایران در اتحاد شوروی ماندند، با آموزش و نگارش بر توسعه شرق‌شناسی شوروی

---

۱. نام کامل به روسی: Kommunisticheskii universitet trudyaschikhsya Vostoka imyeni I.V.

Stalina نام استالین در سال ۱۹۲۳ اضافه شد.

۲. رئیس جمهور جمهوری دموکراتیک ویتنام از ۱۹۴۵ تا ۱۹۶۹.

۳. رئیس جمهور جمهوری خلق چین از ۱۹۵۹ تا ۱۹۶۸.

تأثیر گذاشتند و اغلب به طور هم‌زمان در دستگاه سیاسی شوروی خدمت کردند. همراه با دانشجویان‌شان، آنها دانشی تحلیلی را تولید و مجموعه‌هایی عظیم از مواد و داده‌های ارجاعی را تدوین کردند؛ از جمله آمار جمعیت‌شناختی، دانش‌نامه‌ها، فرهنگ لغت‌ها و دستور زبان‌ها به روسی و فارسی - که بنیاد دانش و سیاست خارجی آینده شوروی را تشکیل داد. از آنجا که من و سایر پژوهشگران در جای دیگر در باره سهم محققان ایرانی کلیدی شوروی در مطالعه ایران نوشته‌ایم، این خطوط کلی ظهور و سقوط کا. یو. تی. وی. تا جایی که اسناد و مدارک آرشیوی اجازه دهد، دانشجویان ایرانی این دانشگاه را در کانون توجه قرار می‌دهد: آنان با هدف فرصت‌یادگیری، مشاهده انقلاب، فرار از تعقیب در ایران یا در برخی موارد شاید، به سبب عطش ماجراجویی به استقبال خطر سفر به مسکوی سرد و ویران از جنگ داخلی رفتند.

کا. یو. تی. وی. برخاسته از خط‌مشی مدارس بلشویک برای تربیت کادرهای رهبری حزبی بود که سابقه آن به سال ۱۹۱۱م. بازمی‌گردد؛ هنگامی که بلشویک‌ها مدرسه حزبی موقتی لونگژی‌مو<sup>۱</sup> را در نزدیکی پاریس پایه‌گذاری کردند. مانند کا. یو. تی. وی.، لونگژی‌مو نظریه مارکسیست-لنینست را به دانشجویان مهاجری آموزش می‌داد که سازمان‌های حزبی در کشورهای زادگاه‌شان اعزام می‌کردند ( Bol'shaya sovyetskaya entsiklopyediya, 1969-1978). اندکی پس از انقلاب اکتبر، لونگژی‌مو الگوی کلاس‌های "آشوب" تنظیم شده در مؤسسه اسمولنی<sup>۲</sup> در پتروگراد شد، که کارگران کارخانه در آن حضور می‌یافتند و بعدها به منزله آشوبگران و تبلیغات‌چی‌ها در ایالت‌ها پراکنده می‌شدند. در ژوئن ۱۹۱۸م.، زمانی که مرکز حیات سیاسی از پتروگراد به مسکو انتقال یافت، یاکوف سوردلف<sup>۳</sup>، رئیس کمیته اجرایی مرکزی، دوره‌های "آشوب و تبلیغات" دو هفته‌ای تنظیم کرد که دانشگاه کمونیستی سوردلف، معروف به

1. Longjumeau

2. the Smol'ny Institute

3. Yakov Sverdlov

"سوردلفسک"، را برای آمادگی ضروری کادرهای حزبی مورد نیاز دولت جدید گسترش داد (Timofeeva, 1989: 22).

اما به زودی آشکار شد، این نظام آموزشی در سوردلفسک که قصد داشت بخش گسترده‌ای از اقلیت‌های قومی را با بلشویک‌ها - که برای تربیت رده‌های حزبی کوشش می‌کردند - سازگار کند، بیش از حد روس‌محور است. بسیاری از دانشجویان رسیده از سرزمین‌های خارجی امپراتوری سابق، برای فراگیری نظریه سیاسی، فاقد مهارت‌های کافی زبان روسی یا پس‌زمینه آموزشی بودند. نیاز به مدرسه حزبی مجزا برای اقلیت‌های شرقی سال‌ها تأیید شده بود، اما جنگ داخلی مانع پیگیری مداوم این طرح شد (Ibid., 23-5). در زمان انقلاب اکتبر، علاوه بر اقلیت‌های شرقی ملی، در حدود یک میلیون اتباع خارجی از چین، کره، ترکیه، مغولستان، ایران و افغانستان در سرزمین امپراتوری تزاری سابق سکونت داشتند (persitz, 1969: 56). شمار عظیم بی‌تناسبی از این اتباع، شاید تا نیم میلیون نفر (Hakimian, 1990: 49-50)، ایرانیان بودند، آوارگانی که پیش از این مجرای برای تأثیر سیاسی در ایران، در قالب جنبش‌های سوسیالیستی و کمونیستی ایران مانند احزاب سوسیال دموکرات و عدالت به شمار می‌آمدند (Ravandi-Fadai, 2010: 19-26).

در ۲۱ ژانویه ۱۹۲۱م، کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی، سازماندهی آنچه را "دوره‌های شرقی" خوانده شد، زیر نظر کمیساریای خلق برای امور قومی<sup>۱</sup> به تصویب رساند. این دوره‌ها به زودی کا. یو. تی. وی. نام گرفت و در ۲۱ آوریل همان سال، در تصمیم دیگری، کا. یو. تی. وی. را به منزله دانشگاهی مستقل<sup>۲</sup> و آزاد برای دانشجویان شرق سنتی فارغ از ملیت، تأسیس کرد. کا. یو. تی. وی. مؤسسه آموزشی دورگه، نه صرفاً یک سوردلفسک برای سخن‌گویان غیرروسی، بلکه همچنین تحقق دیدگاه مطالعات شرقی شوروی به مثابه یک رشته دل‌مشغول حال حاضر شرق به وسیله چهارچوب سیاسی بی‌پروا بود که فراتر از تمرکز سنتی بر یادگارهای ادبی و معماری

<sup>1</sup>. The Peoples' Commissariat for Ethnic Affairs

<sup>2</sup>. Sobraniye ukazanii i rasporyazhenii Rabochyego i Kryest'yanskogo Pravityel'stva [Collected Directives and Instructions of the Workers' and Peasants' Government], 60.

گذشته به نظر می‌رسید. حتی در زمینه شرق‌شناسی، کا. یو. تی. وی. را باید متفاوت از سایر نهادهای شرق‌شناسی شوروی، مانند مؤسسه مطالعات شرقی<sup>۱</sup> در مسکو، دپارتمان شرق‌شناسی آکادمی نظامی ارتش سرخ<sup>۲</sup> و مؤسسه‌هایی در پتروگراد، در نظر گرفت، از این جهت که شرقی‌ها را تربیت می‌کرد؛ نه تنها برای اینکه استاد و پژوهشگر شوند، بلکه برای اینکه در کشورهای زادگاه خود به منزله تبلیغاتچی و انقلابی فعالیت کنند. هر چند زبان روسی باید به عنوان یک درس آموزش داده می‌شد، زبان‌های آموزش پیشنهادی کا. یو. تی. وی. زبان‌های مادری دانشجویان بود: چینی، عربی، ترکی و البته فارسی؛ در میان زبان‌های دیگر تا پایان سال ۱۹۲۱ م. آموزش به یازده زبان مختلف برگزار می‌شد.<sup>۳</sup>

درس‌های عمومی مثل ریاضیات، فیزیک، شیمی، تاریخ جهان و جغرافیا تدریس می‌شد، اما برنامه درسی اصلی شامل اقتصاد سیاسی، ماتریالیسم تاریخی و تاریخ حزب کمونیست بلشویک شوروی بود. مطالعه تاریخ شرق - به ویژه تاریخ کشور زادگاه هر دانشجو و "مسأله استعماری و قومی" الزامی بود. برنامه‌های درسی اولیه، تاریخ معاصر ترکیه، ایران و افغانستان را در بر می‌گرفت و در سال‌های آخر کشورهای بیشتری اضافه شد (Gordlevskii, 1968: 30-34).

کا. یو. تی. وی. تولدی دشوار را تحمل کرد: در اتحاد شوروی، ۱۹۲۱ م. سالی در نهایت سختی و گرسنگی بود. دانشجویان رسیده از آب و هوای خشک و گرم مجبور بودند با زمستان‌های مسکو و شرایط زندگی مصیبت‌بار پس از انقلاب و جنگ داخلی سازگار شوند. هنگامی که این دانشجویان اولیه از راه رسیدند، خود دانشگاه سخت در جریان کار بود، برنامه‌های درسی هنوز مشخص نشده بود و عملاً مواد آموزشی برای کمک به حل شکاف عظیم زبانی وجود نداشت: نه حتی دستور زبان روسی، چه برسد به

1. The Institute of Oriental Studies

2. The Orientalist Department of the Military Academy of the Red Army

3. Gosudarstvennyi arkhiv Rossiiskoi Federatsii [State Archive of the Russian Federation (GARF)], fund 1318, list 1, storage unit 657, 34.

ادبیات مارکسیستی به زبان‌های شرقی. حتی یافتن مداد و دفتر نیز غالباً دشوار بود، بنابراین، دانشجویان ورقه‌های بزرگ کاغذ را آماده می‌کردند که باید بریده و به شکل دفتر دوخته می‌شد (Hunshyun, 1959: 170).

شاعر و فعال سیاسی ایرانی، عبدالحسین حسابی، که در کا. یو. تی. وی. و در سال‌های نخست آن تحصیل می‌کرد، در آن زمان نوشت:

اگر تقدیری بهتری برای دختر خویش می‌خواهید

در علم و دانش توانایش کنید

به عوض گوشواره‌ها و انگشترهای طلا

ادبیات و دفتر برایش بخرید (Chaqueri, 2002: 74)

در ماه‌های اول، کلاس‌های مناسب اندک بود: کادر آموزشی دانشجویان را به گردش در اطراف شهر می‌برد و بحث‌های غیررسمی و دوستانه برگزار می‌کرد (RGASPI, fund 2313, list 4, storage unit 82, 34.). یو. تی. وی. کمیساریای خلق فراخوان داد که به «کمونیست‌های بومی کاملاً واجد شرایط، حداقل پنجاه تا هفتاد نفر، برای تشکیل کادر آموزشی تربیت مدرسان» نیاز است (Zhizn' natsional' nostyei [The life of ethnicities], May 28, 1921.). این رو، کارآموزان با حداقل مقدمات برای تدریس زبان‌های مادری خود روانه کلاس‌های درس شدند (Izvestiya, 1921, no. 31, 12.). در ۲۲ آگوست ۱۹۲۱م، بیش از شش ماه پس از افتتاح کا. یو. تی. وی. کلاس‌ها عملاً آغاز به کار کردند. به زودی آشکار شد که دوره فشرده هفت‌ماهه طراحی شده تحصیل بسیار کوتاه است و در سال ۱۹۲۲م. دوره سه ساله ایجاد شد.

در همان سال، نه با سرعت کمتر، کمیته مرکزی حزب کمونیست روسیه و کمیساریای خلق، قطعنامه افتتاح شاخه‌های کا. یو. تی. وی. در بخش‌های دیگر اتحاد شوروی را صادر کردند. در تابستان سال ۱۹۲۳م، برای سازمان دادن به دپارتمان‌های جدید، گروهی بزرگ از دانشجویان و دانش‌آموختگان برنامه تربیتی به مناطق مختلف

اعزام شدند. شاخه باکو به ایرانیان، آذری‌ها و ترک‌ها در منطقه خدمت کرد؛ این شاخه‌ها در ایرکوتسک<sup>۱</sup>، با تدریس به زبان کره‌ای، برای دانشجویان شرق دور، در استرلیتاماک<sup>۲</sup>، برای باشقیری‌ها، در پتروزاودسک<sup>۳</sup>، برای کارلی‌ها و در کراسنوکوکشایسک<sup>۴</sup>، برای ماری‌ها بود. بزرگ‌ترین شاخه در تاشکند پایه‌ریزی شد: شاخه تاشکند ۱۴۰ دانشجوی قرقیز، ترکمن، ازبک و اقوام دیگر داشت، همراه مدرسه‌ای مجزا برای ۱۴۰ دانش‌آموز دختر دیگر و مدارس ایالتی مختلف در سراسر منطقه (Shest' let natsional'noi politiki, 162; Zhizn' natsional'nostyei (1922) no. 6-7 (12-13), 18 and no. 13, 11). با این همه برای تعیین اینکه تا چه حد و تا چه زمانی شاخه‌ها به واقع به وظیفه خود عمل می‌کردند، به مدارک بیشتری نیاز هست.

به رغم کلمه "کارگران" در نام رسمی مدرسه، در عمل دانشجویان از انواع طبقات اجتماعی می‌آمدند. پرسش‌نامه‌های ثبت شده نشان می‌دهد که در قیاس با سایر دانشجویان، ایرانیان معمولاً با تحصیلات بهتر به مسکو می‌رسیدند و بیشتر دانش‌آموخته دبیرستان بودند و ۴۵ دانشجوی قدیمی کا. یو. تی. وی. هیچ‌گونه تحصیلات قبلی نداشتند.<sup>۵</sup> نشانه‌ای از اینکه بسیاری از ایرانیان در کا. یو. تی. وی. واقعاً پیشینه پرولتری نداشتند. از میان بیست و یک دانشجوی ایرانی در سال‌های نخست، سه نفر پیشینه خود را "دهقانی" خوانده بودند، سه نفر از طبقه کارگر می‌آمدند، اما بقیه به طبقه متوسط پایین و گروه روشنفکران تعلق داشتند (RGASPI, fund 495, list 217). برخی از دانشجویان و کادرهای آموزشی در سال‌های اولیه، مانند سلطان‌زاده، در انقلاب گیلان شرکت کردند. پرونده‌ها حاکی است که از نظر دانشجویان و استادان استفاده از نام مستعار غیرعادی نبود؛ اغلب این افراد نام‌های مستعار انقلابی داشتند، ولی گاهی اوقات همان اسامی هم مؤلفه‌ای

<sup>۱</sup> Irkutsk یکی از بزرگ‌ترین شهرهای جنوب شرقی روسیه. م.

<sup>۲</sup> Sterlitamak شهری در غرب روسیه در جمهوری باشقیرستان. م.

<sup>۳</sup> Petrozavodsk مرکز جمهوری کارلیا در شمال غربی روسیه. م.

<sup>۴</sup> Krasnokokshaisk شهری در غرب روسیه مرکز جمهوری ماری. م.

<sup>۵</sup> Materialy programmno-metodicheskoi i vospitatel'noi raboty (1922-24) [Materials from the Programmatic, Methodological and Educational Works of KUTV]. Editions 1-2. Moscow, 1924, 130.

قومی بود. برای نمونه، یک زوج دانشجوی ایرانی نام خانوادگی خود را به کوزنتسف روسی تغییر دادند (RGASPI, fund 532, list 2, case 148, 41). و نام خانوادگی واقعی پروفیسور سلطانزاده، میکایلیان، ارمنی بود تا ایرانی. بنابراین، جهان وطن‌گرایی جدید به هر حال نشانی از رنگ ملی‌گرایی داشت.

نویسنده‌ای روس محیط اجتماعی مجموعه دانشجویان را به این صورت توصیف کرده است:

برخورد با دانشجوی دختر که هنوز چادری به طول بدن می‌پوشید، یا شبان سابق کوهستان که با هدف تحصیل توانسته بود به مسکو سفر کند، یا رهبر جنبشی دهقانی در کشور زادگاه خود عجیب نیست. بسیاری هنوز کهنه‌گرایی و تعصب‌های گذشته پشت سر نگذاشته بودند و به پنج مرتبه نماز در روز ادامه می‌دادند. آنها مطالعه مارکس را با اسلام یا بودیسم ترکیب کردند. نه اصلاح این توده چندقومی و چندزبانی در یک خانواده کمونیستی واحد آسان بود و نه برای خود دانشجویان غلبه بر سنت‌هایی که بخشی از زندگی روزمره آنها بود، آسوده به نظر می‌رسید. گاهی اوقات، جمع‌آوری سلاح‌ها، خنجرها و هفت‌تیرها لازم بود، ولی ممکن بود با مقاومت شدید دانشجویان مواجه شود. در طی سخنرانی‌ها توضیح داده می‌شد که در کشور ما فقط ارتش سرخ و شبه‌نظامیان حق دارند سلاح داشته باشند و سلاح اصلی دانشجویان باید مارکسیسم - لنینیسم باشد؛ باید مطالعه کرد تا کاملاً مسلح به مارکسیسم از کا. یو. تی. وی. فارغ‌التحصیل شد (Timofeeva, 1989: 79).

یکی از نخستین دانشجویان، سیروس آخوندزاده، هنگام ثبت‌نام تقریباً چهل‌ساله بود. او در خانواده‌ای مذهبی به دنیا آمد. پدرش معلم مدرسه روستا بود و خود او تحصیلات دبیرستان داشت. آخوندزاده، به عنوان عضو حزب کمونیست ایران، در ایران در اتحادیه کارگری فعالیت کرده بود. مانند بسیاری از انقلابیون ایرانی نسل او، در انقلاب گیلان شرکت کرد. او پیش از بازگشت به ایران و ادامه فعالیت‌های انقلابی که به دستگیری و حکم مرگ او در سال ۱۹۲۵ منجر شد، مدتی کوتاه در کا. یو. تی. وی.



تحصیل کرد، اما به برکت عفو عمومی رضا شاه، آخوندزاده همان سال آزاد شد و برای همیشه به اتحاد شوروی رفت. (RGASPI, Fund 495, list 217, case 287, 19-23). ابوالقاسم زارع پیشینه و منش بسیار متفاوتی داشت. او یک سال بعد، در سن بیست و دو سالگی، در کا. یو. تی. وی. ثبت نام کرد، درخواست پناهندگی سیاسی داد و به حزب کمونیست اتحاد شوروی پیوست. او نیز در انقلاب گیلان شرکت کرد، اما برخلاف آخوندزاده، زارع با مدرک از مدرسه علوم سیاسی تهران و تجربه معلمی و روزنامه نگاری در نشریات ادواری ایرانی چپ گرا، به طور استثنائی تحصیل کرده بود. در هنگام تحصیل در کا. یو. تی. وی. او به طور هم‌زمان زبان فارسی، تاریخ و جغرافیا تدریس می کرد. زارع بعدها روزگار خود در آن دانشگاه را به خاطر آورد که فضای تجربی دانشجویان را تشویق به تشکیل کلوب‌ها و انتخاب رهبران خود می کرد:

من در مقام سردبیر روزنامه دیواری [روزنامه‌های داخلی که به دیوارهای سازمان آویزان می شد] و مبلغ در هسته‌ای کار می کردم و عضو حزب تریو نیز بودم [در کا. یو. تی. وی. سه نفر به عنوان رهبران گروه هر کشور انتخاب می شدند]، در حالی که در همان زمان دو کلوب را مدیریت می کردم (گروه سیاسی و ایرانی) (GARF, Fund 5404, inventory 10, case 9, 4).

زارع به عنوان محقق ایرانی در مسکو ماند، چند فرهنگ لغت روسی-فارسی و فارسی- روسی ویراستاری کرد و در باره ایران نوشت.

با وجود منشور کمونیستی فراگیر، دانشجویان تبلیغ پرشور علم غربی، نظریه اجتماعی و در برخی موارد، زبان و تاریخ خاص خود را آغاز کردند. آنها گزارش‌های متعددی در باره اسلام ارائه می دادند. افزون بر ادبیات مارکسیستی، در این زمان دانشجویان تشویق شدند تا با نوشته‌هایی آشنا شوند که بعدها به "تابو" تبدیل شد، مانند آثار ناباکوف و سیاستمدار ضد بلشویک کرنسکی و نیز نشریه ادواری منشویک /یسکرا/ (اخگر) (Materials from KUTV, 1924, 215-16). دانشجویان به میزان قابل توجهی از آثار ترجمه، به ویژه آثار ادبیات کمونیستی و مارکسیستی به زبان‌های

شرقی پرداختند. ترجمه‌ها غالباً نیازمند خلق واژه‌های تازه برای اصطلاح‌شناسی کمونیستی بود و بسیاری از اصطلاحات در ابتدا نادرست فهمیده می‌شد: "پرولتاریا" به مردم و "هزینه" به قیمت ترجمه شد. به دلیل سطح ادبی پایین، گاهی از محافل دور از انتظار، حتی از آخوندها در این زمینه‌ها کمک خواسته می‌شد.<sup>۱</sup> ترجمه‌ها در کشورهای زادگاه دانشجویان انتشار می‌یافت (Timofeeva, 1989: 73).

برعکس، کا. یو. تی. وی. برای محققان زبان‌شناسی روسی و مطالعات منطقه‌ای، فرصت تعامل با سخن‌گویان بومی را فراهم آورد. دانشمند ترک ولادیمیر گوردلوسکی<sup>۲</sup> بعدها نوشت: «محققان در کمیسیون زبانی در واقع در آزمایشگاه زندگی می‌کردند. آنها می‌توانستند زبان‌ها را همان‌گونه مشاهده کنند که بومیان زنده مجموعه‌ای از افراد- خود دانشجویان کا. یو. تی. وی. با آن سخن می‌گفتند» (Gordlevskii, 1968: 348). دانشجویان به مثابه کانال‌های اطلاعات میان دستگاه‌های پژوهشی و سیاسی در پایتخت شوروی و شرق دور، که برای طرح‌های کمونیستی بسیار حیاتی به حساب می‌آمد، عمل می‌کردند. دانشجویان ایرانی به طور خاص فعال بودند: آنها "دفتر کمونیستی" خود را انتخاب کردند که تماس با حزب کمونیست ایران را با دریافت آخرین اخبار و گزارش‌های منظم در مورد زندگی در ایران و پیشرفت جنبش‌های انقلابی حفظ می‌کرد. این دفتر به منظور تبادل اطلاعات در باره زندگی در کشورهای دانشجویان، اجتماعات عمومی دانشجویان را برگزار می‌کرد. گذشته از ترجمه اطلاعات شوروی به فارسی برای مطبوعات ایرانی، دانشجویان به همین منوال خلاصه‌هایی از روزنامه‌های ایران را به روسی ترجمه می‌کردند (Vostochnik [Student of the East], April 21, 1923).

هر ساله، در مجموعه دانشجویان کا. یو. تی. وی. چند زن جوان ایرانی هم حضور داشتند. در پایان سال نخست، از میان بیست و یک دانشجوی ایرانی سه نفر زن بودند. از سال ۱۹۲۵ تا ۱۹۲۸م، دو دانشجوی زن ایرانی، علاوه بر تحصیلات خود، زبان فارسی

<sup>۱</sup> Pod Znamyenyem Il'icha [Under the banner of Illich], February 28, 1925

<sup>۲</sup> Vladimir Gordlevsky

هم تدریس می‌کردند (RGASPI, fund 532, list 1, case 446, 1-23). آنها سخن کلارا زتکین<sup>۱</sup> مبارز فعال حقوق زنان در سومین بزرگداشت دانشگاه را شنیدند که از دانشجویان زن در کا. یو. تی. وی. خواست تا به این مبارزه بپیوندند.

"شما به کشورهای خود باز خواهید گشت و چشمانتان را خواهید گشود، هنوز نابینا و از نظر روحی عقب‌مانده هستید، هرگز عدالت را نشناخته‌اید. شما آنها را گرد هم می‌آورید و در یک مبارزه انقلابی اجتماعی بر ضد تمامی اشکال دزدی و ستم توده‌های کارگر رهبری خواهید کرد" (Pod Znamyenyem Il'icha, March 22, 1924).

در یکی از همین اجتماعات دانشجویان، یک زن جوان ایرانی از تهران گفت: هنگامی که در مسکو از رفقایم در باره کا. یو. تی. وی. شنیدم، آنها را باور نکردم، الان که در واقع در کا. یو. تی. وی. تحصیل می‌کنم، برای رفقایم در این باره نوشتم و آنها در باره تأثیر باورنکردنی توصیف من بر خود، از تهران به من پاسخ دادند: «بدانید که در مسکو کعبه سرخ هست» (Timofeeva, 1989: 40, Pod Znamyenyem Il'icha, April 26, 1924).

گزارش‌های آرشیوی در باره این زنان جوان ایرانی، گرچه پراکنده، اما ملاحظه‌ای گذرا در باب زندگی‌های این دانشجویان در کا. یو. تی. وی. را به دست می‌دهد. یک زن ایرانی بیست‌ساله از آستارا، مشهور به اسم روسی کومیوا<sup>۲</sup>، در سال ۱۹۲۹م. تحصیل در کا. یو. تی. وی. را آغاز کرد. او از خانواده‌ای دهقانی می‌آمد و عضو کومسومول<sup>۳</sup> ایرانی بود و در حزب کمونیست عضویت نداشت. او به زودی مأمویت یافت به همسرش اسکندر، که عامل فتنه در تبریز بود، ملحق شود (RGASPI, Fund, 495, list 217, case 139).

جمیله رشدی از سال ۱۹۲۶ تا ۱۹۲۹م. در کا. یو. تی. وی. تحصیل کرد. گذشته او نامعلوم است، جز اینکه در انجمن آموزشی زنان در تهران فعالیت می‌کرد. در یادداشت‌ها و گواهی‌نامه‌های متنوع اندکی از زندگی روزمره او در کا. یو. تی. وی. به جا مانده است. از بخش شرقی کمینترن پیامی برای سرپرستی کا. یو. تی. وی. به

1. Clara Zetkin

2. Kumeeva

3. Komsomol شاخه جوانان حزب کمونیست شوروی. م

تاریخ ۲ فوریه ۱۹۲۶ م. هست که درخواست می‌کند: «رفیق جمیله رشدی، رسیده از ایران، اتاق و غذا در اختیار او قرار گیرد». حوله، روبالشی، ملافه تختخواب، لباس خواب و پتو آن‌طور که باید فراهم شد. نقدی بر پایان‌نامه او، "مسأله‌ی دهقانی در ایران"، از مدرس کا. یو. تی. وی. گدالی ژیلبراس<sup>۱</sup>، (نماینده تجاری شوروی سابق در ایران) که با نام مستعار رنجبر به ایران رفت، از سال ۱۹۲۹ م. به جا مانده است. ژیلبراس تحلیل رشدی از نظام فئودالی ایران معاصر را تحسین می‌کند، اما فهم ناقص او را از "ماهیت طبقاتی" حکومت رضاشاه، که ژیلبراس آن را اتحادیه و زمین‌داران می‌داند تا طبقه تجار، به نقد می‌کشد. یادداشتی از "بیست و پنجمین جلسه اداره هسته کومسومول خارجی در KUTV" به رفتار جمیله مربوط است. بنابر این یادداشت منشی سابق، رفیق مامین، به سبب "عشق شخصی" به جمیله، کارت شناسایی جعلی کومسومول برای او فراهم کرده است. برای هر دو توبیخ و اخطار جدی صادر شد (RGASPI, fund 495, list 217, case 138).

ساختار اجتماعی و ریاست مؤسسه‌های آموزشی شوروی در آن زمان مبتنی بر ترکیبی از خودتنظیمی و نظارت بود. سخن کارگر کمینترن به زبان مشابه به هر گروه یا "هسته" دانشجویی قومی در کا. یو. تی. وی. منکی بود<sup>۲</sup>، اما شورای دانشجویی ("دادگاه رفقا") نقض "اصول رفاقت، نظم کارگری و اخلاق" را به طور علنی رسیدگی می‌کرد (Broido, 1922: 33-34) برویدیو، که در سال ۱۹۱۷ م. درگیر فعالیت انقلابی در تاشکند بود، از سال ۱۹۲۱ تا ۱۹۲۶ م. ریاست کا. یو. تی. وی. را برعهده داشت. دانشجویان بر پایه علائق نیز گروه‌هایی تشکیل می‌دادند: زبان، موضوعات سیاسی یا حتی تئاتر. از آنجا که همه دانشجویان عضو حزب کمونیست نبودند، هر یک از این گروه‌ها به نوبه خود چیزی را که تشکیل می‌داد، حلقه حزبی<sup>۳</sup> می‌نامیدند، متشکل از اعضای حزب یا کومسومول که باید مشکلات را حل و توصیه‌هایی صادر و توبیخ‌ها را اجراء کند. ایرانیان

<sup>1</sup>. Gdalii Gel'bras

<sup>2</sup>. Materials from KUTV, edition II, 76; GARF, fund 1318, list 1, storage unit 677, 41.

<sup>3</sup>. partkruzok

معمولاً سه دانشجو را برای حلقه حزبی شان، که به طور غیررسمی آن را "دسته سه تایی حزبی" می نامیدند، انتخاب می کردند.

سلطان زاده به رجبعلی اتروک دسته سه تایی حزبی ایرانی را مقارن با پایان تحصیلاتش در کا. یو. تی. وی. از ۱۹۲۶ تا ۱۹۳۰ م. ابلاغ کرد. اتروک در سال ۱۹۰۰ م. در خانواده ای دهقان در روستایی کوچک به نام ورزن بین قزوین و همدان متولد شد. در حالی که در کا. یو. تی. وی. او "منظم و فعال" شناخته می شد، کلاس های فلزکاری فوق برنامه را هم گذراند. یک بار در ۱۹۳۲-۱۹۳۱ م.، دانش آموخته کا. یو. تی. وی. حسابی، رهبر وقت کمیته مرکزی حزب کمونیست ایران، اتروک را به تهران فراخواند. حسابی هزار تومان به اتروک داد و او را برای پرداختن به "کار حزبی" در میان کارگران شرکت نفت انگلیس-ایران به جنوب کشور فرستاد، اما پس از عزیمت، اتروک ناپدید شد و معلوم نیست که چه به سر او آمد. ممکن است دستگیر شده باشد یا طبق یک گزارش، به گیلان رفته باشد (RGASPI, fund 495, list 217, case 179.)

اگر در نخستین ماه های دانشگاه، دانشجویان کا. یو. تی. وی. کلاس ها یا فعالیت های منظم اندکی داشتند، این شرایط به سرعت تغییر کرد. طولی نکشید که برنامه چنان سنگین شد که شاعر ترک ناظم حکمت در باره روزهای دانشجویی در آن دانشگاه نوشت:

هر روز، صد گرم نان سیاه،

بیست تُن کتاب برای خواندن،

و بیست دقیقه برای خودتان. (Hikmet, 1951: 107)

در واقع، برنامه آموزشی سه ساله یک صد گردش علمی در محل هایی مانند ایستگاه های تلگراف، تلفن و رادیو، ایستگاه های نیروی برق، باغ های گیاه شناسی و باغ وحش ها، موزه ها، کارخانه ها و بانک دولتی را شامل می شد.<sup>۱</sup> دانشجویان حتی در طول ماه های تابستان مشغول بودند و اغلب کار مزرعه اشتراکی در روستاهای حاشیه ولگا،

<sup>۱</sup>. GARF, fund 1318, list 1, storage unit 560; Funds of the Museum of Komsomol History, fund IV, list 16, case 55, sheet 5; Noviy Vostok [The new East], 1923, no. 3, 571.

کوهستان‌های قفقاز و آسیای مرکزی را انجام می‌دادند (Erdniev, 1927: 142). جمیلۀ رشدی درخواست کرد که تابستان را در تاشکند سپری کند و با درخواست او موافقت شد (RGASPI, fund 495, list 217, case 138, 40).

جدول ۱. تعداد کادرهای آموزشی و دانشجویان

سال	شمار کل دانشجویان	شمار استادان	شمار کشورها / گروه‌های قومی بیان شده	ایرانیان
۱۹۲۱	۷۱۳		۴۴	۲۱
				(۳ زن)
۱۹۲۲	۹۳۰			۲۵
۱۹۲۴	۱۰۱۵	۱۷۰	۶۲	۲۶
۱۹۲۵		۱۴۶	۷۳	۲۷
				(۲۲ مرد، ۵ زن)
۱۹۲۷			۸۰	۴۱
۱۹۲۹			۱۰۰	۴۸
				(۵ زن)

منابع: دانشجویان ایرانی تمامی سال‌های نشان داده شده:<sup>۱</sup>

RGASPI, fund 532, list 1, case 446, 1–23.

۱. ارقام دیگر، به سال:

1921: The Life of Ethnicities, February 16, 1922; Viktorov, V. 1923. "The Communist University Laborers of the East (KUTV)." The Life of Ethnicities, book 1, 261.

1922: Viktorov, *ibid.*, 267.

1924: Medynskii, E. 1924. "Communist Universities." Communist Education, no. 3–4 (15–16), 59–60; Six Years of Ethnic Policy, 160.

1925: Mayants, A. 1925. "More on the Health of the Communist Graduate Students." Communist Education, no. 5 (23) c. 43.

1927: Revolutionary East, 1927, no. 2, 253.

1929: *ibid.*, 1929, no. 7, 364.

(اطلاعات همه سال‌ها در دسترس نیست)

دانشجویان کا. یو. تی. وی. سالگرد انقلاب اکتبر و تعطیلات انقلابی دیگر را جشن می‌گرفتند و به کنگره‌های حزبی، جلسات عمومی کمیته اجرایی حزب کمونیست و کنگره‌های بین‌الملل کمونیستی دعوت می‌شدند. برای آشنایی دانشجویی با آثار ادبیات کلاسیک روسی و خارجی، از جمله آثاری از فرهنگ شرقی، شب‌های ادبی خاصی برگزار می‌شد. افزون بر نخبگان سیاسی، خود استالین در سال ۱۹۲۵م. در این دانشگاه سخنرانی کرد (Pravda, no. 121, May 31, 1927)، حضور برجستگان فرهنگی، مانند گورکی و مایاکوفسکی منظم بود. کنسرت‌های موسیقی غربی و کانون تئاتر وجود داشت. در جشن دانش‌آموختگی سال ۱۹۲۲م. دانشجویان نمایش تئاتری به نام "اروپای امپریالیست و سیاست استعماری" را به راهنمایی کارگردان آوانگارد تئاتر سواد میرهولد<sup>۱</sup>، که اغلب با دانشگاه همکاری می‌کرد، روی صحنه بردند (Livanov, 1922: 13).

در دوره اولیه دانشگاه، باز بودن نسبی و تناقض‌ها - ترکیب "مطالعه مارکس با اسلام یا بودیسم" - وضعیت گذار جامعه شوروی در آن زمان را منعکس می‌کرد. در میانه دهه ۱۹۲۰م.، احتمالاً به سبب ثبت‌نام فزاینده دانشگاه به صورت بیشتر از ظرفیت اقامت، دانشجویان کا. یو. تی. وی. در صومعه استراستنوی<sup>۲</sup> مجاور نزد راهبه‌های ارتدوکس روس ساکن شدند، که به عنوان نهادی مذهبی به طور کامل برچیده نشده بود. ۲۰۴ راهبه وجود داشت و شمار نامشخصی از دانشجویان کا. یو. تی. وی. در ژوئن ۱۹۲۴ حضور داشتند (Melikhova and Tsekhanski, 2013: 40). انقلابیون شرقی در محلات نزدیک به راهبه‌ها زندگی می‌کردند، راهبه‌هایی که لباس‌های آنها، لباس‌های زنانه مسلمانان سنتی<sup>۳</sup> در کشورهای بسیاری از این دانشجویان را که آنها ترک کرده

<sup>۱</sup>. Vsevolod Meyerhold

<sup>۲</sup>. Strastnoi Convent

<sup>۳</sup>. هنرمند ایتالیایی الینورا دوزه نخستین مواجهه خود با کلیسای ارتدوکس روسی را در صومعه استراستنوی در اوایل دهه ۱۹۰۰م. شرح داده است: «می‌شد چهره‌های زنان گرفته‌ای را دید که در ورودی ناپدید می‌شدند. من آنها را دنبال کردم ... انجام وظیفه باید پایان یابد ... راهبه‌های نوآموز، با چهره‌های پوشیده لباس سیاه به تن داشتند، شمع‌ها را خاموش می‌کردند.» «Strastnoi Monastyr.» Moleva, Tainy moskovskikh monastyryei,

بودند، به خاطر می‌آورد. این وضعیت شگفت‌انگیز تا سال ۱۹۲۸م. طول کشید، یعنی تا زمانی که این صومعه کاملاً تعطیل و به "موزه مرکزی ضدمذهب" مبدل شد. چهره‌های فرهنگی خارجی اغلب به دیدار این دانشگاه می‌رفتند. نویسنده و کمونیست دانمارکی مارتین اندرسون نکسو<sup>۱</sup> در ۱۹۲۴م. از مسکو دیدن کرد و تأثیرات کا. یو. تی. وی. بر خود را به این ترتیب نوشت:

«از کشورهای دور افتاده، شرقی‌ها برای دیدن مسکو سفر می‌کنند. من اخیراً با دو جوان کارگر از تبت که برده بوده‌اند صحبت کردم. آنها برای رسیدن به دانشگاه شرق چهارده ماه راه رفته بودند. این نوع نیروی گرانشی وارد آمده از مسکو بر شرق است» (Nexø, 1925: 108).

نویسنده یونانی، نیکوس کازانتزاکیس<sup>۲</sup>، که در اواخر دهه ۱۹۲۰م. یک روز را در کا. یو. تی. وی. به گفت و گو با دانشجویان سپری کرد، به همین صورت تحت تأثیر شور و شوق آنها قرار گرفت، اما نشانی از یک یادداشت تیره‌تر نیز در خود دارد: «از چهره‌ها تمرکز و تعصب می‌بارید ..... تمامی این جوانان چند رنگ فقط یک هدف داشتند: بازگشت به زادگاهشان، بیدار کردن مردمشان و شکل دادن به امیدها و نفرتشان.» (Kazantakis, 2010: 229-31).

تا میانه دهه ۱۹۲۰م.، این دانشگاه تا جایی توسعه یافت که بسیاری از دانش‌آموختگان برتر آن، کار در کمیته مرکزی حزب کمونیست یا کمینترن را آغاز کردند. دانشجویان ارشد، همراه با کادر آموزشی مؤسسه مطالعات شرقی مسکو و دپارتمان مطالعات شرقی آکادمی نظامی، با ارائه مقاله‌هایی در مجموعه گسترده‌ای از موضوعات، در جلسات انجمن شرق‌شناسان کل روسیه فعالانه شرکت می‌کردند.

در پاییز ۱۹۲۵م.، دانشجویان و استادان کا. یو. تی. وی. پیشنهاد ایجاد مؤسسه‌ای پژوهشی در درون دانشگاه را مطرح کردند (Istorik-marksist [Historian-Marxist], )

<sup>1</sup> Martin Anderson Nexø

<sup>2</sup> Nikos Kazantakis



(vol. 1, 323)، و در اواخر سال ۱۹۲۶-اوایل ۱۹۲۷، انجمن پژوهشی آکادمیک<sup>۱</sup> (NIA) در آنجا افتتاح شد ( Revolyutsionny Vostok [Revolutionary East], 1929, no. 7, 364). به اضافه فعالیت به مثابه یک مرکز مهم پژوهشی در مطالعات شرقی، این انجمن برنامه‌های فوق لیسانس و دکتری داشت و نشریه ادواری خود "شرق انقلابی"<sup>۲</sup> را منتشر می‌کرد (Ibid., 366). تا اواخر دهه ۱۹۲۰م، این نشریه به یکی از مهم‌ترین نشریات در مطالعات شرقی شوروی تبدیل شد. از سال ۱۹۲۷م. به بعد، انجمن پژوهشی آکادمیک برنامه فوق لیسانس و دکتری ارائه کرد ( Stalinyets [The Stalinist], June 1, 1929). که نقطه قوت آن فراهم کردن پس‌زمینه استوار در نظریه مارکسیست-لنینیست با دانش همه‌جانبه از منطقه‌ای خاص قرار داشت. دانشجویان ملزم بودند دو زبان اروپایی و یک زبان شرقی بدانند. به عکس کا. یو. تی. وی، دانشجویان خارجی ملزم به دانستن زبان روسی بودند.<sup>۳</sup>

در اواخر سال ۱۹۲۹م، NIA به مؤسسه‌ای کاملاً متعهد به پژوهش مبدل شد و عنوان آن به مؤسسه آکادمیک مطالعه موضوعات قومی و استعماری<sup>۴</sup> تغییر یافت (NIA NKP). همه شرق‌شناسان برجسته کشور در NIA NKP، که فراوان منتشر شد، شرکت داشتند (Gorldevskii, 1968: 348). تا میانه دهه ۱۹۳۰م، NIA NKP چند دپارتمان داشت، از جمله گروه مطالعات ایران، ( Stalinyets, November 7, 1934; Revolyutsionny Vostok, 1936, no. 2, 100) انتشار تک‌نگاری‌ها، مجموعه‌های مواد و داده‌های منابع، آثار ارجاعی و مطالعات تاریخی، همراه با مواد و داده‌های کاملاً زبانی.

دانشگاهی که یک دهه پیش‌تر به زحمت و با یک مداد یا دفتر پایه‌گذاری شد، به گروهی از متفکران توسعه یافت که کا. یو. تی. وی. اولیه فقط بخشی از آن بود

<sup>۱</sup>. به روسی Nauchno-Isslyedovatel'skaya Assotsiatsiya

<sup>۲</sup>. Revolyutsionny Vostok

<sup>۳</sup>. Conditions for Acceptance to the Graduate Program of the NIA for the Academic Year 1928/1929, 14.

<sup>۴</sup>. به روسی Nauchno-Isslyedovatel'skaya Assotsiatsiya po izucheniyu natsional'no kolonial'nykh problem

(Revolutsionny Vostok, 1930, no. 8, 340). تا میانه دهه ۱۹۲۰م، کتابخانه آن تقریباً ۵۰/۰۰۰ جلد کتاب و نشریه گرد آورد. در دهه ۱۹۳۰م، "گروه‌های کتاب درسی" در اداره‌هایی متعهد به تولید مواد آموزشی فعالیت می‌کردند (Stalinyets, September 17, 1931). در دهه ۱۹۳۰م دانشجویان رسیده برای تحصیل در کا. یو. تی. با افراد روستایی به سختی باسواد احزاب کمونیستِ اوایل دهه ۱۹۲۰م. در کشورهای شرقی تفاوت داشتند که برجسته‌ترین شخصیت‌ها، اعضای کمیته مرکزی یا انقلابی‌های شاخص خود را اعزام می‌کردند. به یمن خلق بی‌امان مواد ارجاعی و داده‌های آماری در زمینه شرق معاصر، سطح دانش بسیار توسعه یافت.

ابوالقاسم زارع، روشنفکر جوان تهرانی که در اوایل دهه ۱۹۲۰م، به عنوان یکی از نخستین دانشجویان کا. یو. تی. وی. روزنامه‌های دیواری دانشگاه را اداره می‌کرد، در کا. یو. تی. وی. و سایر مؤسسه‌های شرق‌شناسی مسکو تا اوج مراتب دانشگاهی پیشرفت کرد. تا سال ۱۹۳۱م، وی سروراستار تمامی مترجمان ادبیات مارکسیست-لنینیست منتشر شده در کا. یو. تی. وی. بود.<sup>۱</sup> او در سال ۱۹۳۲م. استاد کرسی دپارتمان زبان فارسی-افغانی کا. یو. تی. وی. و در سال ۱۹۳۴م. استاد کرسی دپارتمان زبان فارسی-افغانی-عربی در مؤسسه مطالعات شرقی مسکو شد. مانند سلطان‌زاده و دیگران، زارع با فعالیت در دپارتمان رمزنویسی هیئت مدیره سیاسی مشترک دولت (OGPU)<sup>۲</sup> در مقام زبان‌شناس و متخصص ایران، فعالیت‌های دانشگاهی را با فعالیت‌های سیاسی و حکومتی در هم آمیخت. در حالی که دانشگاه شکوفا می‌شد، انقلاب در شرق، به خصوص در ایران، رو به خاموشی می‌رفت، جایی که رضاشاه داشت قدرت خود را تحکیم می‌کرد. انقلابی بلغار جورجی دیمیتروف<sup>۳</sup>، که در دهه ۱۹۳۰م. در کا. یو. تی. وی. تحصیل می‌کرد، در این

<sup>۱</sup> این ترجمه‌ها شامل مسائل لنینیسم استالین، تاریخ حزب بلشویک کمونیست ان. ان. پوپوف و تاریخ جنبش انقلابی ویچسلاو مالتف می‌شد. برای شرح مفصل‌تر فعالیت‌های انتشاراتی زارع و ترجمه‌ها و نوشته‌های او در باره ادبیات فارسی بنگرید به "Atabaki and Ravandi-Fadai, "The Rise of Red Orientalism."

<sup>۲</sup> به روسی Ob'yedinyennoye gosudarstvennoye politichyeskoye upravlyeniye

<sup>۳</sup> Georgi Dimitrov

باره اظهار کرده است که سرکوب کمونیست‌های خارج از کشور- از جمله سرکوب‌های رضاشاه- دانشگاه را تحت تأثیر قرار می‌داد:

«ما در این مبارزه ارزشمندترین بخش‌های گروهمان را به طور متوالی از دست می‌دادیم. با وجود این، ما نه یک اجتماع از محققان، بلکه یک جنبش پیکارگر هستیم که همواره در خط نخست آتش است. پر جنب و جوش‌ترین، شجاع‌ترین و خودآگاه‌ترین افراد ما همیشه در رأس این حمله قرار دارند و همین افراد هستند که دشمن ابتدا آنها را تعقیب می‌کند- پیشاهنگان، که کشته می‌شوند و به زندان یا اردوگاه‌های کار اجباری انداخته می‌شوند، جایی که در آن شکنجه می‌شوند» (Dimitrov, 1972: 208).

این روند به زودی درون اتحاد شوروی را انعکاس می‌داد. نمای سیاست خارجی شوروی از زمان پدید آمدن کا. یو. تی. وی. دگرگون شد: تجدید رابطه موقتی رضاشاه با اتحاد شوروی در اواخر دهه ۱۹۲۰م. و تهدید فزاینده جنگ جهانی، انقلاب در ایران را در تضاد با اهداف سیاست خارجی فوری‌تر قرار داد.

علاوه بر این، رسوایی‌ها در میان دانشجویان و کادرهای آموزشی ایرانی و مخالفت‌ها در برابر سیاست شوروی نسبت به ایران، پرونده‌های موردی را پر کرده بود. گزارش‌های سال ۱۹۲۹م.، نشان می‌دهد که دانش‌آموختگان، به محض بازگشت به ایران، مایل به کار در سازمان‌های "سطح پایین" در میان طبقه کارگر نبودند و می‌خواستند مقام‌های حزبی بلند رتبه‌تر و با حقوق بهتر از آن‌ها باشند. گفته می‌شد که برخی از دانش‌آموختگان کا. یو. تی. وی. حتی خیال داشتند به نیروهای حکومتی ایران بپیوندند (RGASPI, fund 495, inventory 90, case 177, 2. Note from the Eastern Secretariat of the Iranian Communist Party (P. Mif) to the administration May 10, 1929). این مسائل به نارضایتی رو به رشد از حزب کمونیست ایران در کمینترن، در پاییز سال ۱۹۲۹م. که بررسی "دقیق و کامل" دانشجویان ایرانی در کا. یو. تی. وی. انجام داد، کمک کرد. معلوم شد که هسته ایرانی، در آن زمان متشکل از سی و دو دانشجو، "کاملاً رو به انحطاط" رفته بودند و در وهله اول به "تبادل انواع قصه‌های

حرمسرا<sup>۱</sup> می‌پرداختند. این دانشجویان اخراج شدند و حزب کمونست ایران دستور داد تا تعیین دانشجویان برای اعزام به کا. یو. تی. وی - ترجیحاً با انتخاب آنها از طبقه کارگر - باشند.<sup>۲</sup> نشریه ادواری کا. یو. تی. وی. شرق/انقلابی به عرصه‌ای برای مجادله‌هایی تبدیل شد که حملات چند سال بعد از آن تغذیه می‌کرد. در سال ۱۹۳۳م، گدالی ژیلبراس (مدرس کا. یو. تی. وی. که رساله جمیله رشدی "مسأله دهقانی در ایران" را نقد و بررسی کرد) در شرق/انقلابی مقاله‌هایی متوالی به انتشار رساند که سلطان‌زاده، مدرس و راهنمای کا. یو. تی. وی. را "ماجراجوی ضد لنین"، "چپ‌گرا" و "تجدیدنظرطلب راست‌گرا" می‌خواند ( Revolyutsionny Vostok, 1933, no. 1, 54-73, and no. 2, 74-90; Chaqueri, 1984, 225-6).

در سال ۱۹۳۷م، که تصفیه‌های استالین اتحاد جماهیر شوروی را در می‌نوردید، بازسازی بوروکراتیک، آغازی بر پایان کا. یو. تی. وی. بود؛ این دانشگاه به دو نهاد مستقل تقسیم شد: یکی نام کا. یو. تی. وی. را حفظ کرد، اما حالا فقط دانشجویان با شهروندی شوروی در آن باقی ماندند؛ دانشجویان خارجی از کا. یو. تی. وی. به انستیتو پژوهشی آکادمیک مسائل قومی و استعماری (NII NKP)<sup>۳</sup> مظهر جدید NIA NKP منتقل شدند. در ژانویه و فوریه ۱۹۳۸م، موج تصفیه‌ها به مؤسسه مطالعات شرقی مسکو رسید. بسیاری از محققان این مؤسسه در کا. یو. تی. وی. تدریس می‌کردند و پس از بازداشت زارع، سلطان‌زاده و دیگران، دانشگاه که اکنون از اکثر کادرهای آموزشی خود محروم مانده بود، ناچار تعطیل شد. به طور رسمی، این تعطیلی به بازسازی جریان نظام آموزشی برای کارمندان حزبی آینده نسبت داده شد. در عین حال، کمیته مرکزی حزب و کمینترن NIA NKP را نیز تعطیل کردند.

<sup>1</sup>. Ibid., case 177, sheet 7. Note from the Near Eastern Department of the Eastern Lender-Secretariat of the Iranian Communist Party

<sup>2</sup>. Ibid., sheet 3. Note from heads of the Near Eastern Department of Eastern Lender-Secretariat L. Madyar and P. Mif to Sultanzade.

<sup>3</sup>. به روسی Nauchno-Issledovatel'skii institut natsional'nykh i kolonial'nykh problem

در باره سلطانزاده، رهبر پیشین حزب کمونیست ایران که سخت سرگرم کا. یو. تی. وی. بود - تحت شرایطی که حدس آن دشوار نیست - گفته شد که از موقعیت خود در دانشگاه برای مسموم کردن استادان و دانشجویان علیه گسترش انقلاب در ایران بهره می‌گیرد:

موضوع آماده کردن عاملان برای کار زیرزمینی در حزب کمونیست ایران اهمیت بسیار داشت. معمولاً این حزب، مانند احزاب شرقی دیگر، هر ساله شمار خاصی جا در کا. یو. تی. وی. می‌گرفت. شمار دانشجویان ایرانی بین ۱۹۳۰ و ۱۹۳۲ م. از پنجاه نفر به هشتاد نفر افزایش یافت. به عنوان محقق ایران، غالباً ژیلبراس با آنها کار می‌کرد. بنا بر آموزش‌های مادیار و حتی بیشتر خود من، ژیلبراس کلاس‌های خود را اداره می‌کرد و دانشجویان را با روحیه ملی‌گرایانه پرورش می‌داد؛ روحیه افتخار به رژیم پهلوی. او آثار ضدمارکسیستی ایراندوست (اوسترف) را به دانشجویان توصیه می‌کرد که می‌کوشید تا به هر نحوی ثابت کند رژیم پهلوی پیشروترین رژیم در خاورمیانه است و رضاشاه ایران را صنعتی کرد و پرولتاریایی به وجود آورد که می‌تواند انقلاب را پیش ببرد.<sup>۱</sup>

سلطانزاده در سال ۱۹۳۸ م. به اتهام جاسوسی اعدام و همکار او زارع نیز به همان اتهام در همان سال اعدام شد، همچنین دانش‌آموختگان کا. یو. تی. وی. حسابی و لادبن، که برای فرار از دستگیری در ایران به اتحاد شوروی بازگشتند؛ آنها و دیگران پس از مرگ استالین در سال ۱۹۵۳ م. اعاده حیثیت شدند.

در باره سرنوشت بخش اعظم دانشجویان ایرانی که گذرشان به کا. یو. تی. وی. افتاد، اسناد آرشیوها از بین رفته یا مبهم است. بیشتر آنها پس از تحصیلات به ایران بازگشتند؛ برخی مهارت‌های‌شان را به عنوان انقلابی یا آشوبگر برای تغییر اجتماعی به کار گرفتند، برخی دستگیر یا کشته شدند، برخی اهل حرفه شدند، در حالی که برخی دیگر تشکیل خانواده دادند، یا به زندگی‌های معمولی بازگشتند.

---

<sup>1</sup>. Tsentral'nyi arkhiv FSB Rossii [Central Archive of the Federal Security Service of Russia (FSBArchive)]. Folder: Special Archive of the NKVD, r 10291 vol. 1, case 16930, 72. An almost identical confession can be found on 65

## نتیجه

دانشگاه کمونیستی کارگران شرق (KUTV)، که در سال‌های اولیه پس از پیروزی انقلاب اکتبر ۱۹۱۷ در مسکو پایه‌گذاری شد، نخستین نهاد آموزشی و پژوهشی کمونیستی در شوروی به شمار می‌رفت. هدف اساسی این نهاد آموزشی به طور هم‌زمان، آموزش دانشجویان شرقی و انجام پژوهش‌هایی راجع به شرق و نیز تربیت مبارزانی انقلابی برای فعالیت در سرزمین‌های خود و پیشبرد انقلاب بود. مانند سایر نقاط شرق و جنوب شرق آسیا، دانشجویان و محققان ایرانی بسیاری در این دانشگاه حضور پررنگ داشتند که حتی برخی از آن‌ها مانند آوتیس سلطان‌زاده و ابوالقاسم زارع، محققان برجسته‌ای در زمینه شرق‌شناسی از منظری کمونیستی شدند. دانشگاه کمونیستی کارگران شرق در اواخر دهه ۲۰ میلادی در پی تغییر سیاست خارجی دولت شوروی، افشای رسوایی‌های اخلاقی در میان دانشجویان دانشگاه و اندکی بعد شروع تصفیه‌های خونین استالینی رفته‌رفته رونق خود را از دست داد، به چند نهاد دیگر با اسامی متفاوت تقسیم شد و سرانجام با بازداشت و اعدام بسیاری از استادانش به تعطیلی کشانده شد.<sup>۱</sup>

---

۱. بخش نتیجه مقاله حاضر به قلم مترجم است.

## منابع و مأخذ

- Atabaki, Touraj, and Lana Ravandi-Fadai. “The Rise of Red Orientalism and the Fall of the Red Orientalists.” In *Iranian Modernity and Cultural Politics*. Abingdon: Routledge (forthcoming).
- Bol’shaya sovyetskaya entsiklopyediya [The large Soviet encyclopedia]. Moscow: Sovyetskaya entsiklopyediya, 1969–1978.
- Broido, Grigorii (1922). “K ocheryednym zadacham partshkoly” [On the tasks ahead for party schools]. *Kommunisticheskoe prosvyesheniye*, no 3: 33–34.
- Chaqueri, Cosroe, ed. (2002). *From Revolutionary Islam to the Gulag: Revolutionary Poetry by Lahouti, Hesabi, Ladbon, and Zarreh*. Tehran: Edition Mazdak & Antidote.
- Chaqueri, Cosroe (1984). “Sultanzadeh: The Revolutionary Theoretician of Iran: A Biographical Sketch.” *Iranian Studies* 17, no. 2–3: 225–6.
- Dimitrov, Georgi (1972). *Za yeditnstvo rabochevo klassa protiv fashizma— Izbrannye stat’i i ryechi* [For the unity of the working class against fascism: selected articles and speeches]. Moscow: Partizdat.
- Erdniev, V (1927). “Kak ya podderzhival svyaz’ s dyeryevnyei” [How I stayed in touch with my village]. *Revolutsionny Vostok* no. 1: 142.
- Gordlevskii, Vladimir (1968), *Moskovskoye vostokovyediyeniye poslye Oktyabrya—Izbrannye sochinyeniya* [Eastern studies in Moscow after October: selected works]. Vol. 4. Moscow.
- Hakimian, Hassan (1990). *Labour Transfer and Economic Development. Theoretical Perspectives and Case Studies from Iran*. Hemel Hempstead: Harvester Wheatsheaf.
- Hikmet, Nâzim (1951). *Izbrannoye* [Selected works]. Moscow: Foreign Literature Publishing.
- Hunsyun, Van (1959). *Vyelikoye kryescheniye Oktyabrya—Druzhba, skryeplyennaya krov’yu* [The Great Baptism of October: friendship forged in blood]. Moscow: Voenizdat.
- Kazantzakis, Nikos (2010). *Taksidueontas Rousia* [Traveling in Russia]. Athens: Kazantzakis Editions.
- Liyanov, L(1922). “Na prazdnikye narodov Vostoka” [At the celebration of the peoples of the East]. *Zhizn’ natsional’nostyei* 13, no. 5: 13.
- Melikhova, A. A (2013), and R. V. Tsekhanski. *Strasti i nadyezhdy Pushkinskoi (Strastnoi) ploschadi i Strastnogo monastyrya* [The sufferings and hopes of Pushkin (Strastnoi) Square and the Strastnoi Convent]. Moscow: Sovero-Print.

- Moleva, Nina (2008). *Tainy moskovskikh monastyreyei* [The secrets of Moscow's monasteries]. Moscow: Olimp.
- Nexø, Martin Anderson (1925). *Toward the Dawn: Sketches of Soviet Russia*. Russian edition. Moscow-Leningrad: Gosizdat.
- *Shest' let natsional'noi politiki Sovyetskoi vlasti i Narkomnats (1917–1923)*. [Six years of the Soviet state's ethnic policy and the People's Commissariat of Ethnicities (1917–1923)]. A collection of documents and materials. Moscow: Narkomnatz, 1924.
- 726 Ravandi-Fadai Downloaded by [The University of the Highlands and Islands] at 04:50 05 August 2015
- Persitz, M. A (1969). *Vostochnye internatsionalisty v Rossii i nekotorye voprosy natsional'no-osvoboditel'nogo dvizheniya (1918—July 1920)—Komintyern i Vostok. Bor'ba za leninskuyu stratyegiyu i taktiku v natsional'no-osvoboditel'nom dvizhenii* [Eastern internationalists in Russia and some questions regarding the national liberation movement (1918—July 1920): the Comintern and the East: the struggle for Leninist strategy and tactics in the national liberation movement]. Moscow: Nauka.
- Ravandi-Fadai, Lana (2014). “O Sultan-zade—iranistye i chyelovyekye” [Regarding Sultanzade as a scholar of Iran and an individual]. In *Iran: Istoriya i sovremennost'* [Iran: history and modernity], edited by Lyudmila Kulagina and Nina Mamedova. Moscow: IVRAN, : 155–20.
- Ravandi-Fadai, Lana (2010). *Politicheskie partii i gruppirovki v Irane* [Political parties and groups in Iran]. Moscow: IVRAN.
- Timofeeva, Natalya (1989). “Kommunisticheskiei Univyersityet Trudyaschikhsya Vostoka—tsentr ideyinoi podgotovki ryevolyutsionnykh kadrov” [The Communist University of Laborers of the East: center for ideological preparation for Communist Revolutionary Cadres]. PhD diss., Institute of Oriental Studies of the Academy of Sciences, Moscow.